

غسل زیارت

محمدباقر پورامینی



غسل عملی است عبادی که فقهای شیعه آن را دو قسم «واجب» و «مستحب» دانسته‌اند. تبیین تعداد غسل‌های مستحب و اقسام آن، مدخلی است که ما را به درنگ در دو غسل «ورود به بارگاه و حرم معصومین علیهم‌السلام» و «غسل زیارت» رهنمون می‌شود. بررسی مستندات روایی و طرح دیدگاه فقهای بزرگ شیعی درباره این دو غسل مکانی و فعلی، موضوع و محور اصلی این مقاله است. البته به دلیل اهمیت غسل زیارت معصومین علیهم‌السلام، غالب این مقاله بدان اختصاص یافته و سایر مباحث جنبه مقدماتی خواهد داشت.

۲۸

شماره اول - زمستان ۱۳۸۸
غسل زیارت



تعداد غسل‌های مستحب

در فقه شیعه، غسل‌های مستحب بسیاری بیان گردیده و به انجام آن ترغیب شده است، که فقهای شیعه آنها را برشمرده و شرح داده‌اند؛ شیخ صدوق به حد اقل غسل‌های مندوب (مستحب) اشاره کرده و تعداد آن را ۱۷ می‌داند.^۱ شهید اول از پنجاه غسل یاد کرده^۲ است. نراقی ضمن اشاره به ۸۵ غسل، مدعی است که با تتبع در روایات، به بیش از این تعداد نیز می‌رسد.^۳ برخی نیز تعداد آن را بیش از ۱۰۰ رسانده‌اند،^۴ هر چند که محقق حلّی، نظر مشهور را ۲۷ غسل می‌داند^۵ و صاحب جواهر، معروف از مشهور را ۱۸ غسل می‌شمارد.^۶

اقسام غسل‌های مستحب

در بسیاری از متون فقهی، اغسال مستحب، به سه دسته تقسیم شده است:

۱. زمانی؛ انجام غسل در وقت و زمان خاص مستحب است؛ مانند غسل جمعه.
 ۲. مکانی؛ غسل، برای داخل شدن در مکانی، مستحب است؛ مانند غسل ورود به مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ.
 ۳. فعلی؛ انجام غسل، گاه پیش از انجام کاری است که قصد انجام آن را دارد؛ مانند غسل طواف و غسل زیارت پیامبر و ائمه اطهار علیهم‌السلام و یا آن که غسل پس از انجام فعلی است که آن را انجام داده است؛ مثل غسل توبه.
- این تقسیم بندی سه گانه، در آثار فقهایی چون محقق حلّی،^۷ علامه حلّی،^۸ ابن فهد،^۹ فاضل هندی،^{۱۰} نراقی،^{۱۱} آقا رضا همدانی^{۱۲} و امام خمینی^{۱۳} علیه‌السلام به چشم می‌خورد. البته برخی از فقها بدون در نظر گرفتن این تقسیم بندی، تنها به تعداد غسل‌های مستحب اشاره کرده‌اند؛ شیخ مفید^{۱۴}، شیخ طوسی،^{۱۵} سالار،^{۱۶} کیدری،^{۱۷} ابن زهره،^{۱۸} ابوالصلاح حلبی،^{۱۹} شهید اول،^{۲۰} شهید ثانی^{۲۱} و سید محمد عاملی،^{۲۲} در این گروه‌اند.
- ابن براج، غسل‌های مستحب را چهار قسم دانسته است؛ به جز زمانی و مکانی، او از غسلی یاد می‌کند که به عبادت معین تعلق دارد و دیگری، به عبادت خاصی مرتبط نیست.^{۲۳} البته این دو مورد اخیر را می‌توان همان غسل فعلی دانست.



بیشتر فقهای شیعه به غسل ورود به مسجد
النَّبِيِّ ﷺ اشاره کرده‌اند؛ به گونه‌ای که ابن زهره
ادعای اجماع نموده است

شیخ انصاری رحمته الله، ضمن اشاره به تقسیم بندی سه گانه فوق، غسل‌هایی مستحبی را به شیوه دیگری نیز تقسیم می‌نماید:

۱. غسل در زمانی خاص مستحب است، بدون سبب (غسل زمانی).
 ۲. غسل به سبب خاصی مستحب است، بدون در نظر داشتن زمان (غسل مکانی).
 ۳. غسل برای غایت خاصی مستحب است، بدون سبب و زمان (غسل فعلی)^{۲۴}
- این نکته نیز قابل توجه است که برخی از فقهای معاصر، غسل مکانی را همان فعلی می‌شمارند.^{۲۵}

غسل ورود به حرم معصوم ﷺ (مکانی)

وقتی سخن از غسل ورود به «حرم پیامبر» و «حرم ائمه اطهار علیهم السلام» می‌رود، باید آن را در بخش غسل‌های مستحب مکانی جستجو کرد.

۱. بیشتر فقهای شیعه به غسل ورود به مسجد النبی ﷺ اشاره کرده‌اند؛^{۲۶} به گونه‌ای که ابن زهره ادعای اجماع نموده است.^{۲۷} برای مستحب بودن این غسل به روایت ذیل استناد شده است.^{۲۸}

«عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ، عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: الْغُسْلُ مِنَ الْجَنَابَةِ وَغُسْلُ الْجُمُعَةِ وَالْعِيدَيْنِ وَ يَوْمَ عَرَفَةَ وَ ثَلَاثِ لَيَالٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ حِينَ تَدْخُلُ الْحَرَمَ وَ إِذَا أَرَدْتَ دُخُولَ مَسْجِدِ الرَّسُولِ ﷺ»^{۲۹}

علامه حلی، پس از بیان این روایت، اماکن یاد شده در حدیث را با شرافت شمرده و ورود با طهارت و پاکی به آن را پسندیده و نیکو شمرده است.^{۳۰}

۲. غسل ورود به حرم اطهار عليه السلام و مشاهد مشرفه آنان، در آثار بسیاری از فقهای شیعه ذکر شده است؛ ابوالصلاح حلبی؛^{۳۱} علامه حلی در منتهی،^{۳۲} ابن فهد حلی^{۳۳} و برخی از فقهای دیگر، این غسل را مستحب می‌شمارند؛^{۳۴} علامه در نه‌ایة الاحکام،^{۳۵} برای مستحب بودن این غسل، به روایاتی استناد می‌کند.^{۳۶} صاحب مدارک^{۳۷} و فاضل هندی^{۳۸} شرافت مکان را دلیل استحباب غسل می‌دانند. راشد صیمری^{۳۹} و مقدس اردبیلی^{۴۰} نیز به هر دو مورد (روایت و شرافت مکان) اشاره می‌کنند.

نراقی ضمن اشاره به مستحب بودن غسل ورود به حرم معصوم عليه السلام و همچنین غسل ورود به هر مکان شریف، از سخن ابن جنید اسکافی یاد می‌کند؛ از ابن جنید نقل است که غسل برای ورود به هر مشهد و مکان شریفی، مستحب است.

صاحب جواهر با درنگ در این مسأله، درباره سبب یادکرد علامه و ابن فهد از این غسل در میان غسل‌های مکانی، چنین غسلی را اعم از زیارت می‌داند؛ زیرا ممکن است ورود به این مکان‌های شریف برای زیارت و غیر آن باشد.^{۴۱} نراقی^{۴۲} ضمن اشاره به مستحب بودن غسل ورود به حرم معصوم عليه السلام و همچنین غسل ورود به هر مکان شریف، از سخن ابن جنید اسکافی یاد می‌کند؛ از ابن جنید نقل است که غسل برای ورود به هر مشهد و مکان شریفی، مستحب است.^{۴۳} صاحب عروه، با اشاره به سخن ابن جنید، وجه آن را غیر معلوم می‌شمارد، هر چند که چنین غسلی را بدون مانع می‌داند.^{۴۴}

غسل زیارت معصومان عليهم السلام (فعلی)

غسل زیارت پیامبر و ائمه اطهار عليهم السلام از غسل‌های مستحب فعلی است که بسیاری از فقهای شیعه بر آن تأکید دارند؛ تا آنجا که صاحب وسیله، آن را مستحبی می‌داند



در استحباب غسل زیارت برای تمام معصومان، به روایات فراوانی استناد شده است. هر چند مرحوم وحید بهبهانی مدعی است افزون بر وجود روایات بر مستحب بودن چنین غسلی، فتوای فقیه واحد نیز کفایت می‌کند، در حالی که این مسأله، فتوای بسیاری از فقها را داراست.

که مخالفی در آن نیست. فاضل هندی^{۴۵} و صاحب ریاض^{۴۶} بر یقین داشتن بزرگان فقه شیعه بر استحباب چنین غسلی تصریح می‌کنند. ابن زهره ادعای اجماع دارد^{۴۷} و صاحب جواهر آن را مشهور می‌شمارد.^{۴۸}

شیخ مفید.^{۴۹} شیخ طوسی،^{۵۰} ابن براج،^{۵۱} ابن ادریس،^{۵۲} کیدری،^{۵۳} یحیی بن سعید،^{۵۴} ابوالصلاح حلبی،^{۵۵} محقق حلی،^{۵۶} علامه حلی،^{۵۷} ابن فهد،^{۵۸} شهید اول،^{۵۹} وحید بهبهانی،^{۶۰} محقق اردبیلی^{۶۱} و آقا حسین خوانساری^{۶۲} از فقیهانی هستند که نظر بر مستحب بودن غسل زیارت پیامبر ﷺ و تمامی ائمه اطهار ﺍﻟﯿﻬﯿﻢ داده‌اند.

در استحباب غسل زیارت برای تمام معصومان، به روایات فراوانی استناد شده است. هر چند مرحوم وحید بهبهانی مدعی است افزون بر وجود روایات بر مستحب بودن چنین غسلی، فتوای فقیه واحد نیز کفایت می‌کند، در حالی که این مسأله، فتوای بسیاری از فقها را داراست.^{۶۳}

همچنین مرحوم نراقی به روایتی از مدینه العلم صدوق، از امام صادق ﺍﻟﯿﻬﯿﻢ استناد می‌کند، که «غسل الزیاره» را یکی از غسل‌های مستحبی شمرده‌اند.^{۶۴} در استحباب غسل زیارت برای تمام معصومان ﺍﻟﯿﻬﯿﻢ، به روایات خاص و عام فراوانی استناد شده که به مواردی از آن اشاره می‌شود:

دسته نخست: روایات خاص

این روایات، به صورت خاص، ناظر به مستحب بودن غسل زیارت معصومان است و استحباب شامل زیارت همه معصومان می‌گردد:

الف) روایت فقه الرضا؛ در روایات مندرج در فقه الرضا علیه السلام، «غسل الزیارات» به عنوان یکی از غسل‌های مستحب و پس از «غسل زیارة البیت» آمده است.^{۶۵} فاضل هندی،^{۶۶} شیخ انصاری،^{۶۷} صاحب جواهر^{۶۸} و آقا رضا همدانی^{۶۹} به این روایت استناد می‌کنند.

ب) روایت علاء بن سیابه؛ او از امام صادق علیه السلام، درباره آیه کریمه ﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ...﴾ پرسید و حضرت در پاسخ فرمود:

الْغُسْلُ عِنْدَ لِقَائِهِ كُلِّ إِمَامٍ؛^{۷۰}

غسل به هنگام دیدار و زیارت هر امام است.

ظهور این روایت گرچه، شامل دوره حیات آنان است، لیکن شامل بعد از حیات دنیایی آنان نیز می‌شود؛ زیرا حرمت و لزوم احترام آنان، در این دو دوره (پیش از مرگ و پس از مرگ) مساوی است. وحید بهبهانی،^{۷۱} صاحب حدائق،^{۷۲} صاحب مفتاح الکرامه،^{۷۳} حر عاملی،^{۷۴} صاحب ریاض،^{۷۵} شیخ انصاری،^{۷۶} صاحب جواهر^{۷۷} و آقا ضیاء عراقی^{۷۸} به این روایت استناد کرده‌اند.

ج) روایت سلیمان بن عیسی؛ در این روایت، عیسی، پدر سلیمان، از امام صادق علیه السلام پرسید:

اگر قادر به زیارت حضوری نیستم، چگونه می‌توانم شما را زیارت کنم؟ حضرت در پاسخ فرمودند:

يَا عِيسَى! إِذَا لَمْ تَقْدِرْ عَلَى الْجَمْعِ، فَإِذَا كَانَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ، فَاغْتَسِلْ أَوْ تَوَضَّأْ وَاصْعِدْ إِلَى سَطْحِكَ وَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ وَتَوَجَّهْ نُحْوِي، فَإِنَّهُ مَن زَارَنِي فِي حَيَاتِي، فَقَدْ زَارَنِي فِي مَمَاتِي وَمَن زَارَنِي فِي مَمَاتِي فَقَدْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي؛^{۷۹}

ای عیسی، اگر قادر به آمدن نیستی، پس در روز جمعه غسل به جا آور و وضو بگیر و آن‌گاه به پشت‌بام رفته، دو رکعت نماز بگزار و



به سمت ما بایست؛ همانا هر کس مرا در حیاتم زیارت کند گویا پس از مرگ نیز زیارتم کرده است و هرکس مرا پس از مرگ زیارت کند، همانا در حیاتم زیارت کرده است.

به نظر صاحب جواهر، با رعایت اولویت زیارت قرب بر بُعد (و دور و نزدیک)، حرمت و جایگاه امام صادق علیه السلام با سایر معصومین علیهم السلام یکسان است.^{۸۰} شیخ انصاری^{۸۱} و آقا رضا همدانی^{۸۲} نیز به این روایت استناد کرده‌اند.

(د) روایت ابی المَعْرَاء؛^{۸۳} وی از امام موسی کاظم علیه السلام روایت می‌کند که فرمود:

مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ وَ أَرَادَ أَنْ يَرَانَا وَ أَنْ يَعْرِفَ مَوْضِعَهُ فَلْيَغْتَسِلْ ثَلَاثَ لَيَالٍ يَتَّجِي بِنَا فَإِنَّهُ يَرَانَا وَ يُغْفَرُ لَهُ بِنَا؛^{۸۴}

«هرکس حاجتی از خدا دارد و دیدار ما را می‌طلبد و جایگاه خود را جستجو می‌کند، پس سه شب غسل به جا آورد و با ما نجوا کند، همانا او به نزد ما بار خواهد یافت و به واسطه ما آمرزیده خواهد شد.»

این روایت به مستحب بودن غسل، برای دیدن هر یک از معصومان علیهم السلام در خواب گواه است و به نظر صاحب جواهر، از این روایت مستحب بودن غسل برای زیارت معصومان علیهم السلام نیز استفاده می‌شود.^{۸۵} شیخ انصاری^{۸۶} و آقا رضا همدانی^{۸۷} نیز به این روایت استناد کرده‌اند.

(هـ) روایات مختص به زیارت برخی از معصومان علیهم السلام؛ روایاتی که در خصوص زیارت پیامبر، امیر مؤمنان، امام حسین، امام رضا، امام کاظم، امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری علیهم السلام بیان شده است، بر غسل زیارت تأکید دارد.^{۸۸}

فاضل هندی،^{۸۹} صاحب حدائق،^{۹۰} آقا رضا همدانی^{۹۱} و آخوند خراسانی^{۹۲} بر شمول این غسل برای زیارت همه معصومان، اصرار دارند؛ به گونه‌ای که نمی‌توان فرقی میان زیارت آنان گذاشت. وحید بهبهانی معتقد است بی‌شک تمام معصومان علیهم السلام نور واحدند و جایگاه ایشان یکسان است و انحصار غسل برای زیارت برخی از آنان، بی‌معنی است؛ زیرا به یقین هیچ تفاوتی در میان نیست.^{۹۳}

و حید بهبهانی معتقد است بی‌شک تمام معصومان علیهم‌السلام نور واحدند و جایگاه ایشان یکسان است و انحصار غسل برای زیارت برخی از آنان، بی‌معنی است؛ زیرا به یقین هیچ تفاوتی در میان نیست.

(ز) روایت زیارت جامعه کبیره؛ در این روایت، امام هادی علیه‌السلام در پاسخ به خواست موسی بن عبدالله نخعی، این زیارت را که زیارت کردن هر امامی است، بیان داشت و در آن بر انجام غسل نیز تأکید کرد:

إِذَا صِرْتَ إِلَى الْبَابِ فَقِفْ وَ اشْهَدْ الشَّهَادَتَيْنِ وَ أَنْتَ عَلَى غُسْلٍ...^{۹۴}
 هنگامی که به در حرم رسیدی، بایست و شادتین بر زبان جاری ساز،
 در حالی که پیشتر غسل کرده‌ای.

نراقی^{۹۵} و صاحب جواهر^{۹۶} به این روایت استناد کرده‌اند.

دسته دوم: روایات عام

این روایات، عام است و ناظر به مستحب بودن غسل زیارت بیت الله می‌باشد که برخی از فقها، علاوه بر شش نمونه از روایات خاص ذکر شده، از این روایات عام نیز، بر مستحب بودن زیارت همه معصومان علیهم‌السلام استفاده کرده‌اند.

الف) موثقه سماعه؛ او از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده که حضرت فرمود:

وَ غَسْلُ الزِّيَارَةِ وَاجِبٌ.^{۹۷}

البته مراد از واجب در اینجا، استحباب است^{۹۸} و به گفته صاحب مدارک، قید «واجب» تأکید بر استحباب می‌کند^{۹۹} و روایات دیگر، وجوب چنین غسلی را نفی کرده‌اند.^{۱۰۰}

ب) صحیح ابن سنان؛ وی از امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند و یکی از غسل‌ها را

«غسل الزیارة» می‌شمارد.^{۱۰۱}



ج) صحیحہ محمد بن مسلم؛ او از یکی از دو امام باقر یا صادق علیہ السلام روایت کرده که فرمودند:

الْغُسْلُ فِي سَبْعَةِ عَشَرَ... وَ يَوْمَ الزِّيَارَةِ.^{۱۰۲}

درباره این روایات، به خصوص موثقه سماعه، چند نکته گفتنی است:
۱. علامه حلی،^{۱۰۳} به موثقه سماعه و صحیحہ ابن سنان، برای استحباب غسل زیارت پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم و ائمه اطهار علیہم السلام استناد کرده است.

۲. صاحب مدارک، به موثقه سماعه و صحیحہ محمد بن مسلم، برای مستحب بودن غسل تمام معصومین علیہم السلام استناد می کند.^{۱۰۴}

۳. بسیاری از فقها، این روایت را تعمیم داده و آن را شامل غسل زیارت معصومان علیہم السلام می شمارند؛^{۱۰۵} وحید بهبهانی^{۱۰۶} و صاحب جواهر را می توان از این دسته شمرد.^{۱۰۷}
۴. این نقد مطرح است که مراد از «غسل الزیارة» در این روایت، زیارت بیت الله الحرام است. مجلسی دوم،^{۱۰۸} خوانساری در مشارق،^{۱۰۹} شیخ انصاری^{۱۱۰} و صاحب حدائق^{۱۱۱} وجود روایات خاص درباره غسل معصومان علیہم السلام را سبب بی نیازی از این روایت و تعمیم آن می دانند.

محمد تقی مجلسی در «لوامع صاحبقرانی» می نویسد:

بعضی تعمیم کرده اند که شامل طواف و زیارت حضرات سیّد المرسلین و ائمه معصومین صلوات الله علیهم باشد و ضرر ندارد چون احادیث غسل زیارات قریب به تواتر است و اگر حدیث دیگر نمی داشتیم اشکالی داشت از همین حدیث استدلال کردن آن چون ظاهرش طواف خانه است و احتمال غسل زیارت نبی صلوات الله علیه نیز هست که آن هم مراد باشد چون لفظ حرمین از پیش گذشته است و احتمال همه دارد و لیکن به احتمال استدلال نمی توان کرد.^{۱۱۲}

کلام پایانی

با توجه به تقسیم بندی صورت گرفته در غسل های مستحب، غسل زیارت را در دو بخش «ورود به اماکن و بارگاه معصومان» و همچنین برای «زیارت» آنان، می توان در نظر گرفت، هر چند به اعتقاد برخی از فقها، مستحب بودن یک عمل می توانست با تکیه به فتوای یک فقیه ثابت شود، اما در این مبحث، افزون بر وجود روایات متعدد عام و خاص؛ فتاوی بسیاری نیز بر مستحب بودن این غسل ها وجود داشت که از اهمیت آن گواهی می دهد.

پی نوشت:

۱. صدوق، الهدایه، ج ۱، ص ۹۰.
 ۲. شهید اول، النفلیه، ص ۹۵.
 ۳. مستند الشیعه، ج ۳، ص ۳۴۵، نراقی ضابطه و ملاک مستحب بودن غسل ها را با تکیه بر تسامح در ادله سنن، ورود آن در روایات، هر چند ضعیف، با ذکر آن در کتاب فقیهی که دلیل معارض با آن وجود نداشته باشد، می داند.
 ۴. ر.ک: العروة الوثقی، ج ۱، ص ۴۴۵.
 ۵. شرائع الإسلام، ج ۱، ص ۳۷؛ ر.ک: جواهر الكلام، ج ۵، ص ۲.
 ۶. جواهر الكلام، ج ۵، ص ۲.
 ۷. شرائع الإسلام، ج ۱، ص ۳۷.
 ۸. منتهی المطلب، ج ۲، ص ۴۶۰؛ نهایت الاحکام فی معرفة الأحکام، ج ۱، صص ۱۷۵ و ۱۷۶.
 ۹. الرسائل العشر (لابن فهد)، ص ۵۴.
 ۱۰. کشف النام، ج ۱، ص ۱۳۳.
 ۱۱. مستند الشیعه، ج ۳، ص ۳۳۹.
 ۱۲. مصباح الفقیه، ج ۶، ص ۴۵.
 ۱۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۹۸.
 ۱۴. المقنعه، ص ۵۱.
۱۵. الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد، ص ۲۵۱؛ الجمل و العقود فی العبادات، ص ۵۲.
 ۱۶. المراسم العلویه، ص ۵۲.
 ۱۷. اصباح الشیعه، ص ۴۸.
 ۱۸. غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، ص ۶۳.
 ۱۹. الکافی فی الفقه، ص ۱۳۶.
 ۲۰. النفلیه، ص ۹۵.
 ۲۱. روض الجنان، ج ۱، ص ۶۰.
 ۲۲. مفتاح الکرامه، ج ۱، ص ۸۰.
 ۲۳. المذهب، ج ۱، ص ۳۳.
 ۲۴. «الغسل إما أن یتحبّ فی زمان خاصّ بلا سبب، و إما أن یتحبّ بسبب خاصّ بلا زمان، و إما أن یتحبّ لغایة خاصّة من دون سبب و لا زمان». شیخ انصاری، کتاب الطهاره، ج ۳، ص ۹۵.
 ۲۵. «ثم التزمه بالانتقاض فی خصوص الأغسال المندوبه للفعل لا وجه له مع أن الأغسال المندوبه للمکان ترجع إلى المندوبه للفعل لأنها إنما تستحب لأجل الدخول فی الأمکنة الشریفة». سید علی بهبهانی، الفوائد العلیه، ج ۱، ص ۲۱۰.
 ۲۶. الکافی فی الفقه ص: ۱۳۵؛ الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد، شیخ الطوسی، ص ۲۵۰؛ المبسوط،





٣٠. المعبر في شرح المختصر، ج ١، ص ٣٥٨.
محقق خوي به سند و دلالت حديث ايراد دارد.
موسوعة الإمام الخوئي، ج ١٠، ص ٥٥.
٣١. الكافي في الفقه، ص ١٣٥.
٣٢. منتهى المطلب في تحقيق المذهب، ج ٢، ص ٤٧٣.
٣٣. الرسائل العشر، ص ٥٤.
٣٤. العروة الوثقى، ج ١، ص ٤٦٢؛ مستمسك العروة الوثقى، ج ٤، ص ٢٨١؛ مصباح الفقيه، ج ٦؛ وسيلة النجاة، حاشية امام، ص ٩١ وسيلة النجاة، حاشية بهجت صص ٦٧ و ٦٨).
٣٥. «و مشاهد الأئمة عليهم السلام للروايات». نهاية الأحكام، ج ١، ص ١٧٧.
٣٦. وسائل الشيعه، ج ٢، ص ٩٦٠.
٣٧. مدارك الأحكام، ج ٢، ص ١٧٢.
٣٨. كشف اللثام، ج ١، ص ١٦٣.
٣٩. «يستحبّ الغسل لدخول هذه الأماكن، لشرقيها، و للروايات». كشف الالتباس عن موجز أبي العباس، ص ٣٤١.
٤٠. تذكرة الفقها، ج ٢، ص ١٤٤.
٤١. جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج ٥، ص ٦٢.
٤٢. مستند الشيعه، ج ٣، ص ٣٣٨.
٤٣. «يستحبّ لكلّ مشهد أو مكان شريف، أو يوم و ليلة شريفة، و عند ظهور الآثار في السماء، و عند كلّ فعل يتقرب به إلى الله، و يلجأ فيه إليه» ر.ك: ذكرى الشيعه، ج ١، ص ٢٠٠؛ الحدائق الناضرة، ج ٤، ص ٢٣٦؛ مفتاح الكرامه، ج ١، ص ٨٠؛ غنائم الأيام، ج ١، ص ٢٦٦؛ جواهر الكام، ج ٤، ص ٦٢٥.
٤٤. «حكى عن بعض العلماء استحباب الغسل عند إرادة الدخول في كلّ مكان شريف، و وجهه

ج ١، ص ٤٠؛ الوسيه ص ٥٤؛ غنية النزوع ص ٦٢؛ إصباح الشيعه، ص ٤٧؛ كشف الرموز، ج ١، ص ٩٤؛ شرائع الإسلام، ج ١، ص ٣٧؛ المختصر النافع، ج ١، ص ١٥؛ المعبر، ج ١، ص ٣٥٨؛ جامع الخلاف و الوفاق، ص ٤٤؛ إرشاد الأذهان، ج ١، ص ٢٢١؛ تبصرة المتعلّمين، ص ٣٤، تحرير الأحكام الشرعيه، ج ١، ص ١١؛ منتهى المطلب، ج ٢، ص ٤٧٣؛ إيضاح الفوائد، ج ١، ص ١١، الرسالة الفخرية، ص ٤١؛ التفتيح الرائع، ج ١، ص ١٢٨؛ المهذب البارع، ج ١، ص ١٩٠؛ الدر المنضود، ص ١٩؛ روض الجنان، ج ١، ص ٦٤؛ فوائد القواعد، ص ٢٨؛ مسالك الأفهام، ج ١، ص ١٠٧؛ مجمع الفائدة و البرهان، ج ١، ص ٧٤؛ مدارك الأحكام، ج ٢، ص ١٧١؛ ذخيرة المعاد، ج ٢، ص ٧٠٧؛ مشارق الشموس، ج ٢، ص ٢٠٩؛ كشف اللثام، ج ١، ص ١٦٣؛ الحدائق الناضرة، ج ٤، ص ٢٣٥؛ مفتاح الكرامه، ج ١، ص ٩٥؛ كشف الغطاء، ص ١٦٠؛ رياض المسائل، ج ١، ص ٤٩٨؛ غنائم الأيام، ج ١، ص ٢٦٥؛ جواهر الكلام، ج ٥، ص ٦٢؛ مصباح الفقيه، ج ٦، ص ٦٤؛ العروة الوثقى، ج ١، ص ٤٦٢؛ مصباح المتهجّد، ص ١٢؛ فلاح السائل، ص ٦١؛ المصباح كعمى، ص ١٢؛ شرائع الإسلام، ج ١، ص ٣٧؛ تبصرة المتعلّمين، ص ٣٤.
٢٧. غنية النزوع، ج ٢، ص ٦٢؛ ر.ك: مدارك الأحكام، ج ٢، ص ١٧٢.
٢٨. تذكرة الفقها، ج ٢، ص ١٤٤؛ مدارك الأحكام، ج ٢، ص ١٧٢.
٢٩. تهذيب الأحكام، ج ١، ص ١٠٥؛ ر.ك: الكافي، ج ٣، ص ٤٠؛ الفقيه، ج ١، ص ٤٤؛ الخصال، ج ٢، صص ٤٩٩، ٤٩٨؛ عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج ٢، ص ١٢٣؛ وسائل الشيعه، ج ٣، ص ٣٠٧.

غير واضح، ولا بأس به لا بقصد الورد»
العروة الوثقى، ج ١، ص ٤٦٢.
٤٥. كشف اللثام، ج ١، ص ١٥٠.
٤٦. رياض المسائل، ج ١، ص ٤٩٢.
٤٧. غنية النزوع إلى علمي الأصول والفروع، ص ٦٢.
٤٨. جواهر الكلام، ج ٥، ص ٤٦.
٤٩. المقنعة، ص ٥١.
٥٠. المبسوط، ج ١، ص ٤٠؛ الاقتصاد الهادي إلى طريق الرشاد، ص ٢٥١؛ الجمل والعقود في العبادات، ص ٥٢٠.
٥١. المهذب، ج ١، ص ٣٣.
٥٢. السرائر، ج ١، ص ١٢٥.
٥٣. اصباح الشيعة بمصباح الشريعة، ص ٤٨.
٥٤. نزهة الناظر في الجمع بين الأشباه والنظائر، ص ١٥.
٥٥. الكافي في الفقه، ص ١٣٦.
٥٦. شرايع الإسلام، ج ١، ص ٣٧.
٥٧. المختصر النافع، ج ١، ص ١٦؛ تبصرة المتعلمين، ص ٣٤؛ منتهى المطلب، ج ٢، ص ٤٧٤؛ نهاية الأحكام، ج ١، ص ١٧٨؛ الارشاد الاذهان، ج ١، ص ٢٢٠.
٥٨. الرسائل العشر (لابن فهد)، ص ٥٤.
٥٩. البيان، ص ٣٨؛ الدروس، ج ١، ص ٨٧؛ النلفية، ص ٩٥.
٦٠. مصابيح الظلام، ج ٤، ص ٨٩٠.
٦١. مجمع الفائدة والبرهان، ج ١، ص ٧٦.
٦٢. مشارق الشموس، ج ١، ص ٢١٦.
٦٣. هذا، مضافاً إلى الرواية السابقة. مع أن المستحب يكفي فيه فتوى فقيه واحد، كما عرفت، فما ظنك بفتوى الفقهاء؟» مصابيح الظلام، ج ٤، ص ٨٩٠.
٦٤. «مع أن في فلاح السائل عن مدينة العلم روي

عن الصادق عليه السلام غسل الزيارة مطلقاً. غنائم الأيام، ج ١، ص ٢٦٥.
ر.ك: مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٥٢٠.
٦٥. مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٤٩٧.
٦٦. كشف اللثام، ج ١، ص ١٥١.
٦٧. كتاب الطهاره، ج ٣، ص ٦٥.
٦٨. جواهر الكلام، ج ٥، ص ٤٦.
٦٩. مصباح الفقيه، ج ٦، ص ٤٦.
٧٠. تهذيب الأحكام، ج ٦، ص ١٠١؛ الوافي، ج ١٤، ص ١٣٢٣؛ وسائل الشيعة، ج ١٤، ص ٣٩٠.
٧١. مصابيح الظلام، ج ٤، ص ٨٨.
٧٢. الحدائق الناضرة، ج ٤، ص ١٨٩.
٧٣. مفتاح الكرامه، ج ١، ص ٨٤.
٧٤. هداية الأمة، ج ٥، ص ٤٥٤؛ وسائل الشيعة، ج ١٤، ص ٣٩٠؛ باب استحباب الغسل لزيارة أمير المؤمنين وغيره من الائمة عليهم السلام.
٧٥. رياض المسائل، ج ١، ص ٤٩٣.
٧٦. كتاب الطهاره، ج ٣، ص ٦٥.
٧٧. جواهر الكلام، ج ٥، ص ٤٦.
٧٨. شرح تبصرة المتعلمين، ج ١، ص ٢٩٨.
٧٩. كامل الزيارات، ص ٢٨٧ و ٢٨٨.
٨٠. جواهر الكلام، ج ٥، ص ٤٦.
٨١. كتاب الطهاره، ج ٣، ص ٦٥.
٨٢. مصباح الفقيه، ج ٦، ص ٤٦.
٨٣. حميد بن المثنى العجلي، الكوفي، يكنى أبا المعزى الصيرفي، ثقة، له أهل. الفهرست، شيخ الطوسي، ص ٦٠.
حميد بن المثنى العجلي أبو المغراء العجلي؛ مولا هم روى عن أبي عبدالله وأبي الحسن عليهما السلام، كوفي ثقة. رجال النجاشي، ص ١٣٣.
٨٤. الاختصاص، ص ٩٠؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٥٢١.





۸۵. جواهر الکلام، ج ۵، ص ۴۶؛ صاحب جواهر، با استناد به کتاب اختصاص، به جای ابی المغراء از ابی المعزی یاد می کند که اشکال در ضبط این کتبه است.
۸۶. کتاب الطهاره، ج ۳، ص ۶۵.
۸۷. مصباح الفقيه، ج ۶، ص ۴۶.
۸۸. «و لعل عدم ورود ذلك في خصوص أئمة البقيع للاكتفاء بغسل زيارة النبي صلى الله عليه وآله للتداخل وإن كان ذلك رخصة لا عزيمة»، جواهر الکلام، ج ۵، ص ۴۶.
۸۹. كشف اللثام، ج ۱، ص ۱۵۱.
۹۰. الحدائق الناضرة، ج ۴، ص ۱۸۹.
۹۱. مصباح الفقيه، ج ۶، ص ۴۶.
۹۲. بضمیمة عدم الفصل بین زیارتهم و زیارة سائر الأئمة عليهم السلام (اللمعات النيرة في شرح تكملة التبصرة، ج ۱، ص ۹۲).
۹۳. مصابيح الظلام، ج ۴، صص ۹۰ - ۸۸.
۹۴. تهذيب الاحكام، ج ۶، ص ۹۵.
۹۵. غنائم الأيام في ما يتعلق بالحلال والحرام، ج ۱، ص ۲۶۵.
۹۶. جواهر الکلام، ج ۵، ص ۴۶.
۹۷. الكافي، ج ۳، ص ۴۰؛ فقيه، ج ۱، ص ۴۵؛ التهذيب، ج ۱، ص ۱۰۴.
۹۸. فقيه، ج ۱، ص ۴۵.
۹۹. مدارك الأحكام، ج ۲، ص ۱۷۰.
۱۰۰. وسائل الشيعه، ج ۳، ص ۳۰۴.
۱۰۱. تهذيب الاحكام، ج ۱، ص ۱۱۱.
۱۰۲. تهذيب الاحكام، ج ۱، ص ۱۱۴.
۱۰۳. منتهى المطلب، ج ۲، ص ۴۷۴؛ علامه در

- مختلف، سند این روایت را ضعیف می داند.
- مختلف الشيعه، ج ۱، ص ۳۱۶.
۱۰۴. مدارك الاحكام، ج ۲، ص ۱۷۰.
۱۰۵. الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ج ۴، ص ۱۸۳.
۱۰۶. «و رواية سماعة على المطلوب لا يخلو عن تأمل» مصابيح الظلام، ج ۴، ص ۸۸.
۱۰۷. «هذا كله إن لم تفهم الشمول من لفظ الزيارة التي ورد استحبابه في صحيحتي ابن مسلم و ابن سنان و موثقة سماعة و غيرها لما نحن فيه، بل نخصها بزيارة البيت. كما في صحيحة معاوية بن عمار و إلا تكثرت الأدلة على المطلوب و اتضحت، و لعلنا ندعيه». جواهر الکلام، ج ۵، ص ۴۶.
۱۰۸. «الظاهر أن المراد منها طواف الحج، و الأكثر حملوه على مطلق الزيارة، و لا حاجة لنا في إثباته إلى هذا الخبر، للأخبار الكثيرة الواردة لاستحباب الغسل لها عموماً و خصوصاً» مرآة العقول، ج ۱۳، ص ۱۲۶.
۱۰۹. مشارق الشموس، ج ۱، ص ۲۱۶.
۱۱۰. کتاب الطهاره، ج ۳، ص ۶۵.
۱۱۱. الحدائق الناضرة، ج ۴، ص ۱۸۳.
- صاحب حدائق، تأکید می کند اختصاص زیارت به زیارت بیست الله را از صحیحة معاوية بن عمار نیز می توان استفاده کرد که از امام صادق عليه السلام نقل کرد: «الغُسلُ... وَ يَوْمَ عَرَفَةَ وَ يَوْمَ تَزُورُ الْبَيْتَ وَ حِينَ تَدْخُلُ الْكَعْبَةَ» (وسائل، ج ۳، ص ۳۰۳).
۱۱۲. لوامع صاحبقرانی، ج ۱، ص ۵۵۷.